

ایران در آینه جهان

از : ژان لوئی هوو
ترجمه کیکاوس جهانداری

تخت جمشید

هنگامی که پاسارگاد دیگر به عنوان پایتخت کوچک شده بود، کوروش تصمیم گرفت پایتخت خود را به موضعی مناسب تر منتقل کند. بدین منظور وی تخت جمشید را که پائین کوه رحمت قرار دارد انتخاب کرد. قسمتی از صفه‌ای که حصار بر فراز آن بنا گردیده به صورت مصنوع فراهم آمده است، قسمتی دیگر از آن در دل کوه کنده شده و جمعاً سطحی را در حدود سیزده هکتار فرا گرفته است. این شهر را به کوروش منسوب می‌دانند اما بناهای آن متعلق است به داریوش اول، خشایارشا و اردشیر اول.

در این جا جشن‌های با عظمت سال‌ها برگزار می‌گردید. نمایندگان هائی از سراسر مملکت روانه تخت جمشید می‌شدند و خیمه و خرگاه‌های خود را دور تا دور شهر بر می‌افراشتند. روز اول سال نو سران مملکت از این پله‌های عریض بالا می‌رفتند. دورشته پله در جهت مخالف یکدیگر پاگردی را دور می‌زد و باز به هم نزدیک می‌شد و به صفه‌ای که در بالا قرار داشت می‌پیوست. پله‌های به جا مانده همه کوتاه و عریض است و سواران راحتی می‌توانستند با اسب از آن بالا بروند. میهمانان هنگامی که به بالا می‌رسیدند مستقیماً در برابر دروازه خشایارشا قرار می‌گرفتند که در دو طرف آن مجسمه دو کاه با سر انسان قرار داشت و از آن محافظت می‌کرد. میهمانان می‌بایستی از این دروازه بگذرند تا به صفه فوقانی برسند. در اینجا محل اقامت و پذیرائی پادشاه هخامنشی، خزانه و بناهای نظامی قرار داشت. تالار بار داریوش و خشایارشا یعنی آپادانا به خصوص جلال فراوان داشت و ابعاد آن بیش از بیست متر ارتفاع و $6/5$ متر طول بود.

سنگ پی بنای این کاخ که فعلاً در موزه تهران نگهداری می‌شود ایجاد آنرا به وضوح به هر دو پادشاه منسوب می‌دارد. در چهار گوشه تالار اصلی پله‌هایی به شکل برج به بام راه داشت، در عوض در شمال و مشرق دو پله با عظمت میهمانان را به داخل عمارت راهبر می‌شد.

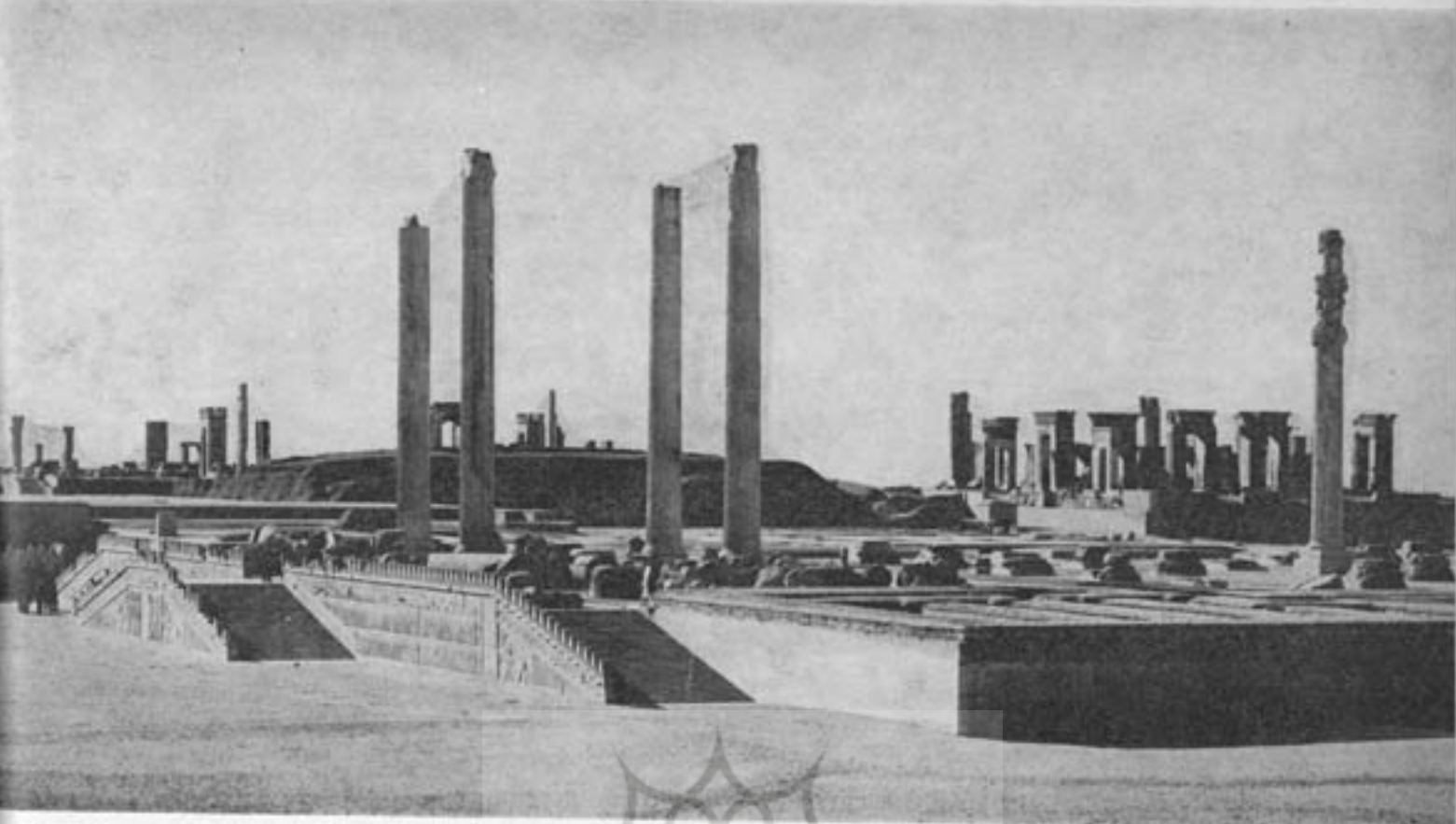
فضای خالی بین پله‌ها را با نقوش حجاری شده پر کرده‌اند که خود نموداری از قسمتی از تشریفات سال نو به شمار می‌رود. بر دیوار پله‌های شرقی آپادانا نقش دو گروه از پاسداران که به سوی یکدیگر روان هستند نقش شده هر کدام مرکب از دو مادی و دو پارسی، در حالی که نیزه‌ها را برپای خود تکیه داده‌اند. در طرفین هر نقش تصویر شیری که گاوی را می‌درد حجاری گردیده. بر دیوار پشت آپادانا می‌توان نقش «سربازان جاوید» را تشخیص داد. سربازان جاوید به صورت سربازان ایرانی که جامه‌های فراخ دربردارند و از آنها گذشته با جگرانی که نماینده بیست و سه کشور تسخیر شده به شمار می‌روند و از آن میان می‌توان لیدیان، سغدیان، سیسیلیان، بابلیان، گندیاریان، باختریان و غیره را ذکر کرد تصویر شده‌اند. بین هر گروه نمایندگان یک درخت به چشم می‌خورد و شاید این‌ها یادآور درختانی باشند که داریوش در صفه غرس کرده است. بزرگانی که می‌بایست به شاه عرض احترام کنند از پله شمالی به تالار بزرگ می‌رفتند ولی شخص شاه از پله شرقی استفاده می‌کرد و پس از عبور از آن به صفه‌ای که در برابر تالار صد ستون تعبیه شده بود قدم می‌گذاشت و از آنجا حرکت دسته‌ها را تماشا می‌کرد. سرانجام شاه و بزرگان



منظره عمومی تخت جمشید

از آپادانا خارج می‌شدند تا به کاخ کوچک سه دروازه بروند. قسمت داخل درهای شمالی و جنوبی با حجاری تزیین شده که شاه را در معیت مستخدمین نشان میدهد. یکی از آنها مگس‌پران و دیگری چتر آفتابی در دست دارد. پس از صرف غذا - که در کاخ داریوش و بعدها در کاخ پسرش خشایارشا انجام می‌گرفت - شاه از کاخ سه دروازه به تالار تخت یعنی تالار صد ستون که توسط اردشیر اول نوه داریوش صورت‌انعام پذیرفت باز می‌گشت. در آنجا مراسم احترام به عمل می‌آمد و این همان مراسمی است که آنرا داخل دروازه ورودی تصویر کرده‌اند. شاه که پشت سر او ولیعهد ایستاده است بر تخت ملل که توسط قبایل و اقوام مختلف مملکت حمل می‌شود جلوس کرده است. آسمانه‌ای که بر فراز آن مظهر اهورامزدا نقش است شاه را از گردن باد و باران محفوظ نگاه می‌دارد. هیأت‌های نمایندگی هدایای خود را تار پای شاه می‌کنند. حجاری‌های دیوارها شاه را عثمان می‌دهد که چگونه بر قوای شر و بدی پیروز می‌شود. ابعاد ساختمان نیز بر عظمت و ابهت این تصویر می‌افزاید. سقف این تالار بر روی ده ردیف ستون که هر یک به سهم خود دارای ده ستون بوده تکیه داشته است. پایه این ستون‌ها تا به امروز باقیمانده است. ابعاد این تالار عبارت بوده است از ۷۵ متر طول و نه متر ارتفاع. پس از خاتمه عمل تقدیم هدایا، نمایندگان باز از همان راه باز می‌گشتند و از دروازه خشایارشا کاخ آپادانا را ترک می‌گشتند.

۱ - احتمال دارد که تالار صد ستون، مستقل از تشریفات سالنو، مرکز گرد آمدن لشکریان بوده است. این تالار نباید قاعده یک تالار بار و پذیرائی باشد زیرا در این صورت از آن همان استفاده‌ای را می‌کرده‌اند که از آپادانا. حجاری‌های تالار صد ستون با حجاری‌های سایر بناها فرق دارد. مثلاً تخت پادشاه که طبق سنن و آداب توسط قبایل و امم مختلف مملکت حمل می‌شد در نقش داخل دروازه شمالی توسط گروهی از جنگاوران حمل می‌شود. پس می‌بینیم که در اینجا لشکریان حامل تخت شاه هستند. در این صورت شاید حق باشد که این تالار را محل اجتماع سربازان جاوید بدانیم.

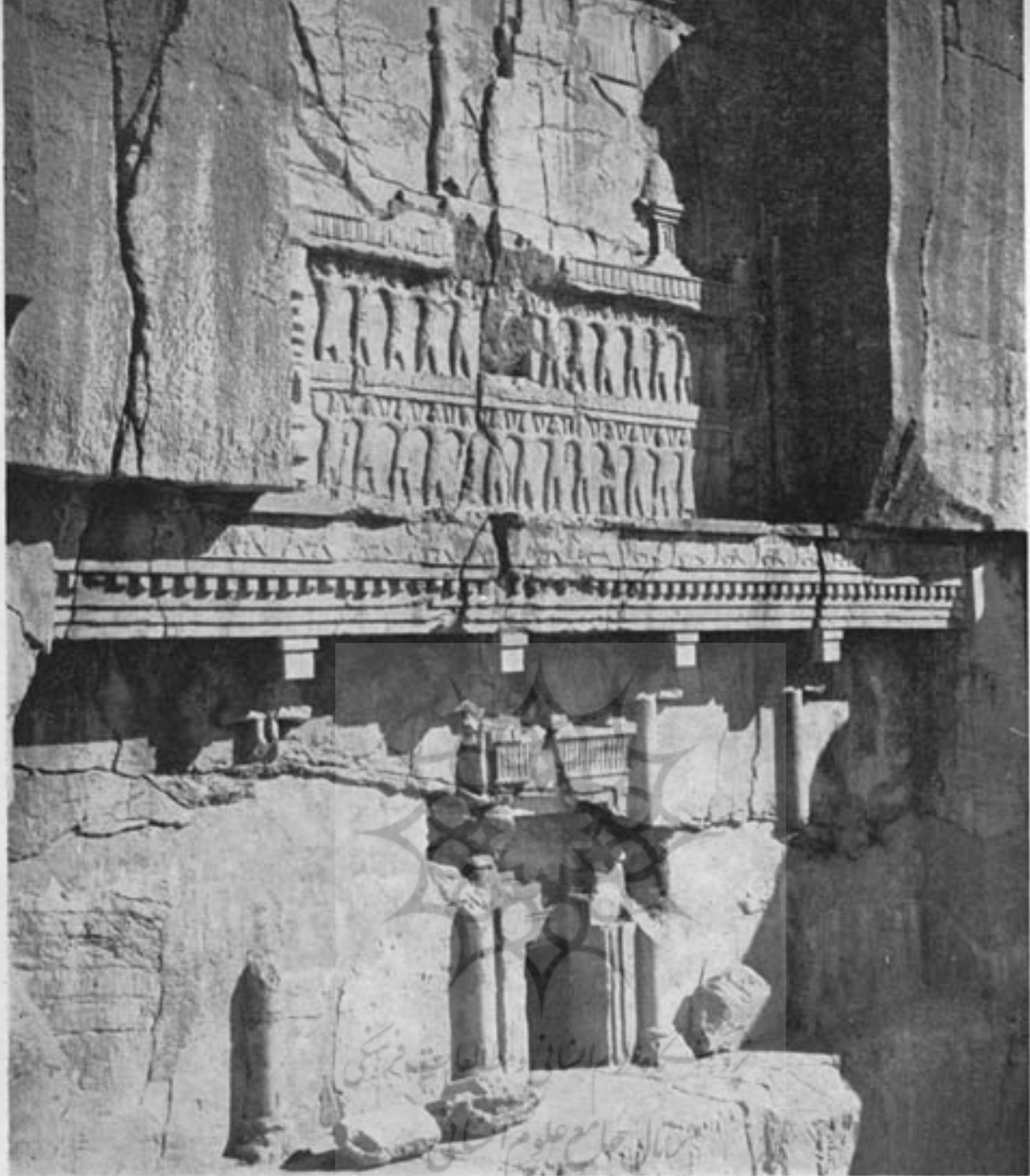


تالار تخت در قسمت جلو ستونهای آبادانا تخت جمشید

در جنوب شرقی صفه مجموعه‌ای از بناهاست که آنرا بدوآ حرمراسا می‌نامیدند و این عبارت است از دوردیف تالار بسیار باشکوه که همه به يك حیاط مرکزی منتهی می‌شوند و در و پنجره ندارد. نگهبانان از این تالارها حراست می‌کرده‌اند. اما شاید این بنا مخصوص حرمراسا نبوده است و مجموعه خزائن شاه را تشکیل می‌داده است.

از اینها گذشته باید از دونه‌ای دیگر نام ببریم، یکی از آنها اقامتگاهی است در مقرب صفه بنام تجره داریوش. نام داریوش به صورت مکرر بر چهارچوب پنجره‌ها ذکر شده است. چون مجموع این بنا چیزی جالب توجه و چشم‌گیر نیست محققین را به این فکر انداخته که ممکن است این کاخ فقط در هنگام ضرورت مورد استفاده شاه واقع می‌گردیده است. اما در عوض کاخ دوم یعنی هدیش خشایارشا که از تجره دور نیست جالب توجه‌تر است. این کاخ در مرتفع‌ترین موضع صفه قد برافراشته و از يك تالار ستون‌دار غیرعادی تشکیل شده که از طرف مغرب و مشرق از اطرافهایی احاطه شده است. بدون شك این يك کاخ باشکوهی است که شاید از میهمانان عالیقدر در آن پذیرائی می‌کرده‌اند.

وجه مشخص ساختمان‌های هخامنشیان تالار ستون‌دار وسیع کاخ سلطنتی است. مسلم است که طرح چنین تالارهایی از ابداعات معماران هخامنشی نبوده است. ولی بهر حال معماران ایرانی کوشیده‌اند با یکاربردن الوارهای چوب سدر مخصوص لبنان در سقف‌ها به امکانات معماری موجود بیافزایند. از برکت وجود این ماده ساختمانی سبک وزن است که سی‌وشش ستون برای حمل سقف آبادانا کفایت کرده است. در این کاخ هر ستون به فاصله نه متر از دیگری است و طول این سالن به بیش از شصت متر بالغ می‌گردد. ارتفاع ستونهای این تالار حتی امروز نیز به ۱۸



قسمت بالای يك گور هخامنشی در تخت جمشید

مترمی رسد. مسلم است که وضع این ستونها برای معماری ایرانی مشخص کننده است. سندهای موجود، اتمام بنای این ساختمان را کار اهالی یونان و لیدییه قلمداد می کند: «ستونهای سنگی که در این جا کار گذارده ایم از قریه ایست در ایلام بنام ابیرادو. سنگ تراشان اهل یونی و سارد بوده اند». اما ستونهای هخامنشی تقلیدی محض از آثار یونانی نیست. پایه ستونها که اغلب به شکل زنگ است و با نقش برگ یا گل آنها را مزین کرده اند به هیچ وجه یونانی محسوب نمی شود. تنه ستونها که در دل آسمان افراشته شده بسیار درازتر از تنه ستونهای یونانی است و ابعاد آن به طور کلی با ابعاد ستونهای هلنی تعارض دارد. از این ها گذشته بین تنه ستون و سر ستونها اشکال تریبی بسیار زیادی که از حلقه گل و برگهای آویخته ترکیب شده به کار رفته است.

فلورور سیلیس (Silicon Tetrafluoride) متصاعد شده و اثر آن در جاهائی که آسید اثر کرده است بجا میماند (برای اطلاع از خواص این آسید و طرز استعمال آن و همچنین روش حکاکی روی اجسام شیشه‌ای مراجعه شود به بحث آسیدها در شماره‌های قبل).

در تجارت جسم شفاف و روانی بنام شیشه محلول یا شیشه مایع (Verre Soluble — Water Glass) عرضه میشود که از ترکیب شیمیائی آن سیلیکات سدیم (Sodium Silicate) میباشد و موارد استعمال گوناگونی دارد. مثلاً برای نگاهداری تخم مرغ بکار میرود، از این ماده برای تهیه بعضی سنگهای مصنوعی استفاده میکنند، اگر اشیاء سفالی یا سنگی را با این ماده بپالایند نه تنها از نفوذ رطوبت بداخل آنها جلوگیری مینماید (Waterproofing) بلکه این اشیاء را در مقابل آتش نیز محافظت میکند (Wireproofing) این جسم را در تجارت گاهی (Soluble Glass) نیز مینامند. بعنوان مثال میتوان با استفاده از فرمول زیرین سنگهای مصنوعی شیشه گرانیته (Granite) تهیه نمود.

آهک (Chaux - Lime) یکمقدار - شیشه محلول سی و پنج قسمت - کوارتز یکمقدار
بست قسمت و سنگریزه (شن نسبتاً درشت) یکمقدار هشت قسمت اگر کمی اکسید فلزات رنگین نیز بمخلوط مزبور بیفزاید سنگهای مصنوعی با رنگهای گوناگون بدست میآید.

برای محافظت اشیاء سنگی بهتر است آنها را نخست بمحلولی از سیلیکات سدیم آغشته سپس با برسی که در محلول کلرور کلسیم (Calcium Chloride) فرو برده بوده‌اند پرداخت نمایند.

شاخ (Corne — Horn) گاهی شاخ حیوانات مخصوصاً شاخ بعضی چهارپایان را برای تهیه آثار هنری و تهیه اشیاء ظریف بکار میبرند در قرون گذشته از این ماده برای تهیه اشیدمان استفاده میکردند - گاهی نیز اوراق شفاف شاخ را برای محافظت صفحات کتب نفیس یا اوراق پارشمن (Parchement) بکار میبردند - برای پاک کردن اشیاء شاخی کیف شده معمولاً از آب گرم استفاده میکنند و برای هرمت اشیاء شاخی شکسته ممکنست چسبهای سلولوئیدی را بکار برند (مراجعه شود بانواع چسبها در شماره‌های گذشته) برای پرداخت کردن اشیاء شاخی بهتر است پارچه جرخ پرداخت را بگرد کل بکشند یا لایند و با سرعت نسبتاً زیاد جرخ را بحرکت در آورند اشیاء شاخی ممکنست مورد هجوم حشرات واقع شوند. در این قبیل موارد برای محافظت آنها میتوان محلول نو درسد سولیمه در الکل را با موفقیت بکار برد.

روشهای نامبرده در بالا را میتوان در مورد اشیاء ساخته شده از کاسه سنگدشت نیز بکار بست.

شیشه (Verre — Glass) منظور از ذکر این مطلب در اینجا بیان و تشریح خواص شیمیائی و فیزیکی و طریقی تهیه انواع شیشه نمیباشد بلکه منظور ذکر چند طریقه برای نگاهداری و مرمت اشیاء شیشه‌ای است.

اگر شیشی شیشه‌ای خراش برداشته و بطور سطحی مخدط شده باشد میتوان آنرا بکمک قلمه‌ای از جیپس (Ghamois Leather) که بگرد مسروف بخاک پرداخت جواهر سازی (Jeweller's Rouge) آغشته شده است با کمی فشار سائیده و تقریباً بحالت اصلی برگردانید البته خراشهایی را که سبب بدنام شدن اشیاء شده و برعکس نشان دهند سن و قدمت اشیاء نیز میباشد نباید از میان برد (مانند خراشهایی که با گذشت زمان در پایه گیلاهای پایه بلند قدیمی ظاهر میشوند).

اشیاء شیشه‌ای معمولاً شفاف بوده و در عین حال دارای جلا و صیقل سطحی نیز میباشند، چنانچه سطح آنها آبله‌گون شده و جالدار شود. برای اعاده صیقل آنها میتوان روشی که در بالا اشاره شد متوسل گردید، البته در حالت اخیر اجرای این روش دقت و حوصله زیادتری لازم دارد و اشخاص کم‌حوصله نمیتوانند بجای این کار از روغن یا ورنی جلا استفاده نموده و صیقل اشیاء شیشه‌ای آبله‌دار را اعاده نمایند، طبیعی است که موفقیت در روش اخیر براب کمتر از روش پیشین میباشد.



چند نمونه گر اوز
و سیاهلیم

گاهی ظروف شیشه‌ای مخصوص نگهداری آب گداز میشوند، نازشدن آنها بسبب رسوب تدریجی ترکیبات آهنی است برای برطرف کردن کدورت کافی است ابتدا آنها را برای مدت چند روز از آب باران یا آب مقطر پر کنند (از آب لوله نباید استفاده شود) سپس با برسی که موهای نرم دارد رسوب داخل ظرف را پاک نمایند، اگر رسوب آهنی با ساسی پاک نشد مقدار کمی جوهر نمک (آسید کلریدریک) رقیق با آب داخل ظرف اضافه میکنند.

برای پاک کردن رسوب مواد آلی (Organic) از روی اشیاء شیشه‌ای آنها را در محلول پنج درصدی از سود محرق (Sodium Hydroxide) فرو برده و پس از پاک کردن لکه‌ها ظرفها را در آب جاری کاملاً می‌شویند - غالباً در این موارد لازم است که سیقل و جلای قسمت‌های لک‌شده را اعاده نمایند برای این منظور بهتر است بروش که در بالا بیان شده است اقدام نمایند. برای پاک کردن لکه‌های ناشی از مواد آلی بر روی ظروف شیشه‌ای قدیمی بهتر است بجای سود محرق، سواکریا در محلول پنج درصدی از کربنات آمونیم (Ammonium Carbonate) فرو برده و لکه‌ها را با آرامی با آن پاک نمایند.

اکثر خسبها و داروهای زاکه برای سیقلی کردن اشیاء فلزی در بازار یافت میشوند میتوان برای جلادار کردن اشیاء شیشه‌ای نیز بکار برد مشروط بر اینکه این مواد را بکمک قطعه‌ای از پارچه نرم بر قسمت لک‌شده شیشه کشیده و مدتی بگذارند تا خشک شده و ورقه بسیار نازک جلاداری بر شیشه رسوب نماید. بالاخره آنرا با قطعه‌ای از پارچه نرم و تمیز پرداخت نمایند برای تهیه مخلوط جلا میتوان مقداری منیزی کالیند (Calcined Magnesia) را در بنزن (Benzene) که مایعی است فرار و در تجارت نوع تصفیه شده آن بنام بنزول (Benzol)

ارائه میشود - این حلال غیر از بنزن معمولی است (Benzine) که از تقطیر نفت بدست میآید حل میکنند تا بشکل خمیر وبعبارت بهتر نیمه مایع درآید ، جسمی که بدینطریق بدست میآید برای پرداخت کردن آئینهها وقاب عکسهای شیشهای وشیشههای پنجره ونظائر آن بسیار مفیداست . برای تمیز کردن اشیاء شیشهای بهترین وسادهترین راه شستن آنها درآب گرمی است که بدان مقداری آمونیاک افزوده باشند بشرط آنکه بلافاصله آنها را با پارچه نرم وتمیزی خشک کنند. مرمت کردن ظروف شیشهای کاری است کاملاً فنی ونسبتاً دشوار ، ظروف شیشهای نسبتاً ضخیم را میتوان مانند اشیاء چینی وسفالی پرچ کرد (روش عمل در شمارههای آینده تحت عنوان مرمت اشیاء چینی بیان خواهد شد) .

اشیاء شیشهای شکسته راممکت باچسب مناسبی چسباید (برای انتخاب چسب مراجعه شود بانواع چسبها در شمارههای قبل) .

اگر لبه ظروف شیشهای مخطط شده یا تركهای کوچکی برداشته باشد ممکت باچرخ خراطی ظرفی قسمتهای مخطط شده را خراطی کرده وتراشید . اجرای این کار در مورد ظروف شیشهای تراشدار عمل تراز ظروف ساده شیشهای میباشد ودر موارد لزوم حتی میتوان با ایجاد طرحها وتراشهای تازه شکل وفرم تزئینات ظرفرا بکلی تغییر داد، بهمین جهت غالباً فروشندگان ظروف شیشهای ویلوری (Cristal) کارگاه کوچکی مجهز بانواع چرخهای خراطی در دسترس دارند تا ظروف بها دار آسیب دیده را مجدداً تراشیده ویشکل تازهای قابل ارائه نمایند - باید در نظر داشت که در بعضی اشیاء شیشهای قدیمی مانند شیشههای رومی خرابی وفساد بمراحل پیشرفتهتری مشاهده میشود واین کار بسبب وجود رطوبت وگاز کربنیک در هوا ورسوب آن بر سطوح ظرف میباشد . در نتیجه واکنشهای شیمیائی قسمتی از شیشه تجزیه شده و نمک قلیا (کربنات سدیم Sodium Carbonate) وسیلیکات کلسیم (Calcium Silicate) بدست میآید - شیشههایی را که باین طریق آسیب دیدهاند باید بدفعات زیاد در آب مقطر فرو برده و ورنی سلولوبرداری را روی آن بیاشند (انواع ورنیها بعداً ذکر خواهند شد) .

برای حکاکی روی شیشه چنانچه قبلاً نیز ذکر شده است ابتدا تمام سطوح وجوانب واطراف شیشه را با موم یا پارافین جامد کاملاً می پوشانند - سپس با قلم حکاکی طرح با نقش موردنظر را روی موم حک میکنند تا شیشه نمایان شود ، آنگاه شیشه را در ظرفی محتوی محلول آسید فلوریدریک (Hydrofluoric Acid) فرو میبرند ومدتی صبر میکنند تا آسید بر قسمتهای عریان شیشه تأثیر نماید سپس شیشه را از حمام آسید خارج کرده وموم را بکمک حرارت با وسائل دیگر کاملاً پاک می نمایند در اینحال چنانچه قبلاً نیز در فصل آسید ذکر شده است قسمتهای خورده شده بشکل کدر وگود در سطح شیشه نمایان میگردند ودر صورتیکه بخواهند طرحها وقوش حک شده شفاف باشد لازم است بجای فرو بردن شیشه در محلول آسید آنرا در معرض بخارات ناشی از آسید قرار دهند (برای اطلاع از جزئیات وشیوه کارمراجعه شود با آسید فلوریدریک در شمارههای قبل) .

اگر تهیه آسید فلوریدریک از بازار دشوار باشد ممکت آنرا بطریق زیرین تهیه نمود: کرد (Fluorspar) را که بشکل طبیعی بلورهای بیرنگ یا رنگین شده بوسیله ناخالصی هاست در ظرف سربی ریخته ویس از افزودن جوهر گوگرد (آسیدسولفوریک) بملايمت حرارت میدهند چون گرد نامبرده بالا از نظر شیمیائی فلورور کلسیم (Calcium Fluoride) میباشد در اثر جوهر گوگرد تجزیه شده وآسید فلوریدریک متصاعد میگردد از بخارات حاصل نه تنها برای حکاکی روی شیشه بلکه گاهی نیز برای زدودن رنگ فلزات استفاده میشود .

اگر لکههایی در داخل ظروف شیشهای پدید آمده باشد که با وسائل دیگر زدوده نشود بهترین راه برای پاک کردن عبارت از بکار بردن آسید مزبور میباشد ، باین طریق که ظرف را برای مدت سی ثانیه با محلول دو درصد آسید فلوریدریک مجاور نموده ویس از خالی کردن آسید ظرف شیشه را چندین دفعه زیر شیر آب می شویند .